



مدل ساختاری پیش‌بینی خردمندی بر اساس هوش موفق و بهزیستی روانشناختی با نقش میانجی خودکارآمدی

دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دانشیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مریم درخشان ^{id}

بیبا نصراللهی* ^{id}

فریبرز باقری ^{id}

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ | ایمیل نویسنده مسئول:

nasrolahi@srbiau.ac.ir

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف، ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی خردمندی بر اساس هوش موفق و بهزیستی روانشناختی با نقش میانجی خودکارآمدی دانشجویان انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های آزاد استان تهران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آنها، تعداد ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای خردمندی (آردلت، ۲۰۰۳)، هوش موفق (استرنبرگ، ۲۰۰۵)، بهزیستی روانی (ریف، ۱۹۸۹) و خودکارآمدی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V19 و Amos-V8.8 استفاده گردید. همچنین به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد هوش موفق اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، رابطه هوش موفق با خردمندی به صورت مستقیم برابر (۲/۰۸) $t = ۰/۲۵$ و $\beta = ۰/۲۵$ است. در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم هوش موفق بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. نتایج نشان داد بهزیستی روانشناختی اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، رابطه بهزیستی روانشناختی با خردمندی به صورت مستقیم برابر (۴/۹۱) $t = ۰/۶۸$ و $\beta = ۰/۶۸$ است. در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم بهزیستی روانشناختی بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. **نتیجه‌گیری:** لذا توجه به متغیرهای مذکور در پیشگیری و طراحی درمان‌های مناسب‌تر به پژوهشگران و درمانگران یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: خردمندی، هوش موفق، بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۵۸۶-۵۶۵
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(درخشان، نصراللهی، باقری، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

درخشان، مریم، نصراللهی، بیبا، باقری، فریبرز. (۱۴۰۱). مدل ساختاری پیش‌بینی خردمندی بر اساس هوش موفق و بهزیستی روانشناختی با نقش میانجی خودکارآمدی دانشجویان. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱) ۵۸۶-۵۶۵.

مقدمه

در طول قرن‌ها در فرهنگ‌های مختلف خردمندی از والاترین فضایل قلمداد شده است (والش و رمز، ۲۰۱۵). امروزه نیز مسئله بسیاری از مجامع و نظام‌های آموزشی دنیا، کمک به رشد مهارت‌های شناختی به ویژه در طول تحصیل است. بر این اساس در دو دهه گذشته مفهوم خردمندی در متون روان‌شناسی مورد توجه بسیار قرار گرفته و حجم بسیاری از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است (آردلت، ۲۰۰۵). یانگ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که خردمندی از سه مولفه از جمله انسجام شناختی، تجسم خرد در اعمال و تاثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی تشکیل می‌شود. آردلت (۲۰۰۳) خرد را ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه مولفه شناختی، تاملی و عاطفی تعریف می‌کند. مولفه شناختی بر تمایل مداوم فرد برای درک شرایط انسانی و بخصوص مسائل درون فردی و بین فردی، بعلاوه دانش حاصل از این تمایل اشاره دارد. مولفه تاملی به توانایی درک مسائل از زوایای چندگانه و همچنین بررسی خود (خودارزیابی) و خودبینشی اشاره دارد. مولفه عاطفی به عنوان عشق دلسوزانه، توجه و مهربانی تعریف می‌شود (یعنی نگرش همدلانه مثبت نسبت به دیگران). به رغم دشواری در تعریف خرد، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر این که خردمندی مشتمل بر دانش، بینش، تامل، تلفیق منابع فرد با منافع و رفاه دیگران است (کریست جانسون، فاورز، دارنل و پولارد، ۲۰۲۱). همچنین در سنت‌های فرهنگ‌های شرق و غرب خرد به عنوان مفهومی چند وجهی با موضوع‌های گوناگونی همچون دانش، هیجان، خودتنظیمی، انگیزش، کارکرد اجتماعی، اخلاق و همچنین ارتباط پیچیده بین این جنبه‌ها در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر خردمندی در طول سال‌ها با ویژگی‌هایی از قبیل، شخصیت، معنویت، قضاوت، اخلاق، دانش ماهیت انسان و وسعت دید تعریف می‌شد (نورثراپ، ۲۰۲۱). بر اساس مطالعات انجام شده (وست استریت و گلاک، ۲۰۱۷) افرادی که از قابلیت‌های شناختی، ژرف‌اندیشی و عاطفی بهره‌مند هستند در مقایسه با هم‌ترازان خود، از لحاظ جسمانی سالم‌ترند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، روابط بهتری با دیگران برقرار می‌کنند، در بعد تجربه پذیرش شخصیت (پذیرا بودن تجارب) نمرات بالاتری را به دست می‌آورند و از سلامت روانی بیشتری بهره‌مندی می‌برند (گراس، ۲۰۱۷). آردلت (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان داد که خرد خیلی بیشتر از سلامت جسمی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، محیط فیزیکی و روابط اجتماعی بر سطح رضایتمندی دانشجویان تاثیر دارد.

برای این که دانشجویان در زندگی موفق شوند و به خردمندی بالایی در جامعه برسند نیاز دارند تا در مهارت‌هایشان به خوبی عمل کنند. دانشجویانی موفق اند که بتوانند از توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی برای رسیدن به موفقیت استفاده کنند (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۱۹). نظریه هوش موفق استرنبرگ کاملاً متفاوت از نظریه‌های سنتی است، که هوش را یک سازه واحد، گاهی عامل *g* یا هوش کلی و گاهی هم با اصطلاح ضریب هوش معرفی می‌کنند؛ می‌باشد. هوش موفق ترکیبی از توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی است که به افراد برای سازگاری، انتخاب و تغییر محیط به منظور رسیدن به اهداف خود در زندگی، با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی کمک می‌کند. موفقیت تنها در بافت فرهنگی اجتماعی خود فرد تعریف می‌شود؛ در فرهنگ اجتماعی ما، با توجه به ارزش‌های مورد پذیرش جامعه، موفقیت نیز معنی و مفهوم خاص خود را می‌یابد. بدین معنی که موفقیت با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، ملاک‌ها و یا انتظارهای خود

فرد و دیگران شکل می گیرد. بافت فرهنگی اجتماعی جوامع شرقی به ویژه جامعه ما، به لحاظ جمع گرایی و تاکید بر ارزش های خاص دینی، متفاوت از جوامع غربی است. به عبارت دیگر هوش موفق مجموعه واحدی از توانایی های لازم برای موفقیت در زندگی با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی خود است که افراد از طریق شناخت همزمان نقاط قوت و ضعف خود، پرورش نقاط قوت و پیدا کردن راه اصلاح یا جبران نقاط ضعف، به موفقیت دست می یابند. افراد دارای هوش موفق، با استفاده از تعادلی که میان توانایی های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی برقرار می سازند، به انطباق با محیط، تغییر و انتخاب دست می زنند (استرنبرگ، ۲۰۱۸). نتایج برخی از مطالعات نشان داد که در بسیاری از برنامه های آموزشی، فقط بر هوش تحلیلی، آن هم بر سطوح پایین آن تاکید می کنند. در حالی که به دو جنبه دیگر هوش، یعنی هوش خلاق و عملی که برای موفقیت در زندگی، حیاتی و لازم است، کمتر توجه شده یا اصلاً توجهی نمی شود (مینتوب و علی، ۲۰۱۸). همچنین نتایج پژوهش میتانا، موواگا و سمپالا (۲۰۱۸) نشان داد که در مدارس، بیشترین تفکری که از افراد انتظار می رود، تفکر تحلیلی است، اما در خارج از دانشگاه و در دنیای واقعی، اهمیت تفکر خلاق و به ویژه تفکر عملی، خیلی بیشتر مورد انتظار است. استادینگر و پاساپاتی (۲۰۰۳) نیز چنین نظر داده اند که متغیرهای شخصیتی و هوش سیال ممکن است به عنوان دروازه ای برای کسب دانش خردمندی عملی در بزرگسالی در نظر گرفته شوند.

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با خرد، سازه بهزیستی روان شناختی است. افراد خردمند به واسطه ارزش های روان شناسی مثبت گرا از جمله بهزیستی روان شناختی برانگیخته می شوند، آنها به تمامیت خود دست می یابند و به طور پیوسته دید مثبت و یکپارچه ای از خود در زندگی دارند که منجر به انسجام هویتی در آنها می شود (وبستر، ۲۰۱۰). بنابراین داشتن یک زندگی مطلوب، همواره آرزوی بشر بوده است، در ابتدا رفاه بیشتر و طول عمر بالاتر، در معنی کیفیت زندگی بهتر مطرح بود. کیفیت زندگی در نقطه مقابل کمیّت، قرار می گیرد و منظور از آن سال هایی از عمر است که همراه با رضایت، شادمانی و لذت باشد (دایمر، اویشی و لوکاس، ۲۰۰۳). بهزیستی روانی یکی از مولفه های کیفیت زندگی است، به چگونگی ارزیابی افراد از زندگی شان اشاره دارد و دارای دو جزء شناختی و عاطفی است. بعد شناختی، یعنی ارزیابی شناختی افراد از میزان رضایت از زندگی و بعد عاطفی، یعنی داشتن حداکثر عاطفه مثبت و حداقل عاطفه منفی (لیندن، برگ، آدولفسون و اسپارو-لوندین، ۲۰۱۸). امروزه پژوهشگران معتقدند که ایجاد بهزیستی روانشناختی و رضایت از زندگی، انسان ها را به سمت موفقیت بیشتر و خردمندی در زندگی، سلامت بهتر، ارتباط اجتماعی حمایتگرانه سالم تر و در نهایت سلامت روانی و جسمی بالاتر، رهنمون می سازد (هیدریچ و ریف، ۲۰۲۱). ریف و کیز (۱۹۹۵) مولفه های سازنده بهزیستی روانشناختی را در برگیرنده ویژگی هایی از قبیل پذیرش خود، هدف و جهت گیری در زندگی، رشد شخصی، تسلط بر محیط، خودپیروزی و روابط مثبت با دیگران دانسته اند. عوامل مختلفی می توانند بر بهزیستی روانشناختی افراد تاثیرگذار باشند. پژوهش های انجام شده در میان بزرگسالان و نوجوانان نشان داده که خردمندی یکی از تعیین کننده های اصلی بهزیستی روانشناختی است (آمستادلر، موسکاتی، ماس، ۲۰۱۶). آرسلان (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان داد که افراد با احساس بهزیستی بالا هیجانات مثبت را تجربه دارند؛ در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین، حوادث و وقایع زندگی شان را نامطلوب ارزیابی کرده، بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می کنند. در پژوهشی برنشتاین، لوبینسکی و بندو (۲۰۲۱) نشان داد که عوامل روانشناختی بر کارکرد

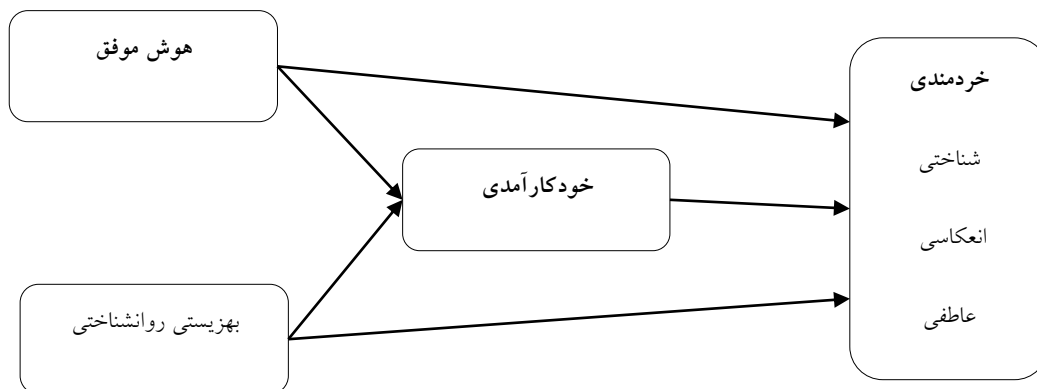
جسمی تاثیر می‌گذارند و کسانی که بهزیستی روانشناختی بالاتری دارند، از سلامت جسمی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین این افراد شاد، خوش بین و مثبت‌نگرند و از ثبات عاطفی بالایی برخوردارند، برای حل مسایل خود مستقیماً تلاش و از زندگی خود راضی بوده و احساس خوشبختی می‌کنند (گرومیسیچ، فیزدون و کورتز، ۲۰۲۰).

نکته مهم دیگر در ادبیات مرتبط با خردمندی، نقش فرایندهای شناختی-اجتماعی، باورها و خودکارآمدی در شکل‌گیری خردمندی است (دیسث، ملاند و بریدابلیک، ۲۰۱۴). در همین راستا کیم، لی و پارک (۲۰۲۰) رشد منبع درونی و خودکارآمدی را از عوامل موثر در تحول خردمندی دانسته‌اند. خودکارآمدی «به قضاوت فرد در مورد توانایی‌های خود برای انجام موفقیت‌آمیز یک تکلیف یا کار» گفته می‌شود (سیف، ۱۳۹۷). تئوری خودکارآمدی بندورا، به نقش اعتماد و اطمینان و عزت نفس فرد نسبت به توانایی‌هایش در انجام رفتار خواسته شده از وی تاکید دارد (لی، جوشی، کینگ-دالینگ، هی، فاگت و کیرنی، ۲۰۱۸). باورهای خودکارآمدی تعیین می‌کند که افراد تا چه اندازه برای فعالیت‌های خود انرژی صرف می‌کنند و تا چه میزان در برابر موانع مقاومت می‌نمایند (هملیتون، کورنیش، کریک پاتریک، کرون و اسشوآزر، ۲۰۱۸). خودکارآمدی بر رفتار فرد بسیار تاثیرگذار است (اسچانک و دیندتو، ۲۰۱۶). معلمان برخوردار از خودکارآمدی سطح بالا در انجام کارها امیدوارتر و موفق‌تر است. بدین ترتیب، یادگیری افراد به وسیله خودکارآمدی سطح پایین محدود می‌شود و به وسیله خودکارآمدی سطح بالا افزایش می‌یابد (اندیشمند، ۱۳۹۷). به طور کلی هنگامی که افراد بر این باور باشند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام کار یا فعالیتی را دارند، برای انجام آن تکلیف وقت بیشتری صرف می‌کنند و در نهایت به نتایج بهتری دست پیدا خواهند کرد (شا، اسچان، بات‌گیت و بن-الياهو، ۲۰۱۶). اولتامی، دیویی، افندی، رامدانی و روحیانی (۲۰۲۰) در اندازه‌گیری خردمندی و همبسته‌های آن چنین بیان کرده‌اند که خودکارآمدی با ابعاد خردمندی همبستگی مثبت معنادار دارد. گلیمور (۲۰۱۴) بین خودکارآمدی و خردمندی همبستگی مثبت معنادار گزارش کرده است. در ایران نیز نژادحاجی و نوروزی (۱۳۹۲) روابط بین خردمندی و خودکارآمدی عمومی را بررسی و گزارش کردند که بین خودکارآمدی و خردمندی ارتباط وجود دارد.

با توجه به این که آموزش عالی به عنوان یکی از فراگیرترین و عظیم‌ترین نهادهای اجتماعی شناخته شده است و اکثریت افراد به نوعی با آن در ارتباط هستند، در نتیجه دانشگاه‌ها به عنوان منشا بالقوه تغییرات ارزشمند و مهم در همه ابعاد گوناگون زندگی افراد اجتماع محسوب می‌گردد. از آنجا که نقش دانشجویان به عنوان مهمترین فاکتور موفقیت سیستم آموزشی و نیز نقش هوش موفق، بهزیستی روانشناختی و خودکارآمدی آنان در ایجاد شور و اشتیاق در آنان، و با توجه به این که خرد می‌تواند زمینه ارتقای فضای یاددهی و یادگیری را فراهم کند، بررسی علل و عوامل مرتبط با خردمندی نظیر هوش موفق، بهزیستی روانشناختی و خودکارآمدی در دانشجویان ضروری و لازم به نظر می‌رسد. همچنین از آن جا که دوره جوانی یکی از کلیدی‌ترین دوره‌ها در زندگی همه انسان‌ها است توجه به خردمندی و پرورش این مهارت به عنوان یک حق اخلاقی و انسانی، در این دوره ضروری است و تاثیر بسزایی در امر آموزش دارد. برای این که خردمندی را بتوان به جوانان آموزش داد لازم است جوان با مفهوم و تعریف خرد کاملاً آشنا باشد؛ اگر جوانان خودشان خردمندی را به صورت صحیحی تجربه کنند می‌توان امید داشت که از روش‌های مناسب

برای افزایش هوش موفق، بهزیستی روانشناختی و خودکارآمدی استفاده کنند. بنابراین به نظر می رسد حتی اگر ایده اصلی از خردمندی به عنوان یک نقطه پایانی آرمانی تحول انسان تا حد زیادی همگانی باشد، برخی از معانی خاص خردمندی ممکن است در فرهنگ ها متفاوت باشد و با تاریخ تغییر کنند. این در حالی است که بسیاری از پژوهش های تجربی از این نظر حمایت می کنند که بسیاری از پایه های خردمندی در طول جوانی پایه گذاری می شوند. عمده نظریه ها و پژوهش های تجربی خردمندی بر نمونه های غربی استوارند؛ از اینرو این مطالعه تلاش دارد به این مساله بپردازد:

۱. آیا بین خردمندی بر اساس هوش موفق و بهزیستی روانشناختی با نقش میانجی خودکارآمدی در دانشجویان چه رابطه ای وجود دارد؟



شکل ۱. مدل پیشنهادی پژوهش

روش پژوهش

روش پژوهش همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های آزاد استان تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل داد که همگی در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه گیری نیز از نوع نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود. با توجه به شهرستان های مختلف استان، از طریق نمونه گیری خوشه ای تعداد ۵ واحد شهریاری، رباط کریم، شهر قدس، تهران و اسلام شهر انتخاب شد با توجه به چنین روشی، فرایند نمونه گیری در این پژوهش به این صورت می باشد که ابتدا به واحد دانشکده ها مراجعه شده و سپس با توجه به رشته ها و کلاس ها، تعدادی از آن ها (بر اساس ملاک های ورود: دانشجوی مقطع کارشناسی، رضایت جهت شرکت در پژوهش و ملاک خروج: عدم پاسخ دادن به سوالات پرسشنامه ها) انتخاب و مورد آزمون واقع می شوند. پرسشنامه ها به مدت ۶۰ روز بر روی دانشجویان اجرا شد. برای دستیابی به نتایجی قابل قبول (با استفاده از قاعده ۲۰ به ۱) نمونه ای برابر با ۳۵۰ شرکت کننده کافی است. ولی از آنجا که احتمال دارد بسیاری از پرسشنامه ها به صورت ناقص جواب داده شوند، تصمیم بر این شد که حداقل ۴۰۰ شرکت کننده وارد این پژوهش شوند. پس از تکمیل پرسشنامه ها توسط دانشجویان، تمامی آن ها تورق می شود و مورد بررسی قرار می گیرد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه خرد آردلت (۲۰۰۳). پرسشنامه خرد توسط آردلت در سال ۲۰۰۳ طراحی گردیده است. این پرسشنامه از ۳۹ گویه و سه خرده مقیاس شناختی (۱۴ سوال)، انعکاسی (۱۲ سوال) و عاطفی (۱۳ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش خرد به کار می‌رود. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای تعدادی از گویه‌ها نمره گذاری به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای است که برای گزینه‌های «کاملاً در مورد من صحیح است»، «تا حدودی در مورد من صحیح است»، «نظری ندارم»، «تا حدودی در مورد من صحیح نیست» و «اصلاً در مورد من صحیح نیست» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. آردلت همسانی درونی در هر سه بعد به طور کلی را ۰/۸۵، بعد شناختی ۰/۷۸، بعد تاملی ۰/۷۵، و بعد عاطفی را ۰/۷۴ محاسبه کرد. همچنین وی ویژگی‌های روان‌سنجی آن از جمله پایایی بازآزمایی آن را (۰/۵۶) و پایایی بین‌ارزیابان را مثبت و معنادار و روایی همگرا آن را از طریق بررسی همبستگی آن با مقیاس بهزیستی روان‌شناختی مناسب گزارش کرده است و تحلیل عامل اکتشافی نیز موید سه عامل نظری اندازه‌گیری شده بوده است (آردلت، ۲۰۰۳). در ایران کچویی و هوشیاری (۱۳۹۹) برای ارزیابی روایی از همسانی دورنی استفاده کردند و همبستگی ابعاد خردمندی یعنی یعنی شناختی، انعکاسی و عاطفی با نمره کل به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۷۴ و ۰/۷۱ به دست آمد. برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده نمودند و مقدار ضریب آلفا برای ابعاد شناختی، انعکاسی و عاطفی به ترتیب برابر با ۰/۷۰، ۰/۷۰ و ۰/۶۸ و برای نمره کل خردمندی ۰/۷۶ به دست آوردند.

۲. پرسشنامه هوش موفق استرنبرگ (۲۰۰۵). پرسشنامه هوش موفق توسط استرنبرگ (۲۰۰۵) طراحی شده است. شامل ۱۲ خرده‌آزمون می‌باشد، که ۳ خرده‌مولفه‌های تحلیلی، خلاق و عملی را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه دارای ۳۶ سوال می‌باشد که هر مولفه شامل ۱۲ سوال است. ۱۲ سوال اول مولفه‌های تحلیلی، ۱۲ سوال دوم مولفه‌های خلاق و ۱۲ سوال آخر مولفه‌های عملی را می‌سنجند. افراد بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (عالی = ۵، خیلی خوب = ۴، خوب = ۳، نسبتاً خوب = ۲، ضعیف = ۱) به سوالات پاسخ می‌دهند. حداکثر نمره در این آزمون ۱۸۰ و حداقل نمره ۳۶ نمره خواهد بود که این نمره‌ها به ترتیب با هم جمع می‌شوند و یک نمره کل برای هر آزمون به دست می‌آید که میزان هوش موفق او را نشان می‌دهد. پایایی پرسشنامه فوق در تحقیقات متعددی توسط استرنبرگ (۲۰۰۲، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰) بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. در ایران نگهبان سلامی و همکاران (۱۳۹۱) پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ و بازآزمایی بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۱ گزارش نمودند.

۳. بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۹). این مقیاس توسط ریف در فرم اصلی ۱۲۰ سوالی طراحی شده است که دارای ۶ زیرمقیاس خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، رابطه مثبت با دیگران، زندگی هدفمند و خودپذیرندگی می‌باشد. پاسخ به هر سوال بر اساس طیفی از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۶) مشخص می‌شود. نمره‌ی بالاتر بیانگر سطح بالای بهزیستی روان‌شناختی است. لازم به ذکر است که در پژوهش‌های بعدی فرم‌های ۸۴، ۵۴ و ۱۸ سوالی این مقیاس نیز ارائه گردید. در این پژوهش فرم کوتاه

۱۸ سوالی که توسط ریف و کیز خلاصه شد، مورد استفاده قرار گرفته است. ریف و کیز گزارش کردند همبستگی زیرمقیاس های فرم ۱۸ سوالی با فرم ۱۲۰ سوالی بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۹ است (ایرانیان پهرآباد، مشهدی، طبیبی و مدرس غروی، ۱۳۹۴). پژوهش بیانی، کوچکی و بیانی (۲۰۰۸)، نشان دهنده ی روایی و اعتبار قابل قبول نسخه ۸۴ سوالی فارسی است. در پژوهش آن ها پایایی درونی مقیاس با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ و آلفای زیرمقیاس های آن از ۰/۷۰ تا ۰/۷۸ بوده است. همبستگی مثبت آن با مقیاس رضایت از زندگی، پرسشنامه شادی آکسفورد و پرسشنامه حرمت خود روزنبرگ حاکی از روایی همگرایی آن است. در بررسی دیگری ضرایب آلفای کرونباخ برای هر کدام از زیرمقیاس های این فرم به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۷۸ به دست آمد (به نقل از ایرانیان پهرآباد و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این، سفیدی و فرزاد (۱۳۹۱) در رواسازی فرم ۱۸ سوالی مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین، همسانی درونی برای کل آزمون و زیرمقیاس ها را بین ۰/۶۵۸ تا ۰/۷۵ گزارش کردند.

۴. پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران (۱۹۸۲). در این پژوهش از پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲) استفاده خواهد شد. آزمون شامل ۱۷ ماده است که خودکارآمدی عمومی را می سنجد و این ۱۷ ماده دارای میانگین ۵۷/۹۹ و انحراف معیار ۱۲/۰۸ است. شیوه نمره گذاری به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می گیرد. ضریب پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خودکارآمدی عمومی و خرده مقیاس خودکارآمدی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۷۱ برای هریک بدست آمد. براتی (۱۳۷۶) جهت بررسی پایایی آزمون از روش دو نیمه کردن استفاده کرده است. ضریب پایایی آزمون از روش دو نیمه کردن گاتمن برابر ۰/۷۶ بدست آمد. آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۹ بدست آمد که رضایت بخش می باشد. کرامتی (۱۳۸۰) در تحقیق خود آلفای کرونباخ را برابر ۰/۸۵ بدست آورد. علی نیا (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خود آلفای کرونباخ را برابر ۰/۷۸ بدست آورد که قابل قبول است. شرر و همکاران (۱۹۸۲) برای سنجش روایی سازه مقیاس خودکارآمدی همبستگی امتیازات بدست آمده از آن را با اندازه های چندین ویژگی شخصیتی به دست آوردند. این اندازه های شخصیتی در برگیرنده مقیاس کنترل درونی- بیرونی راتر، مقیاس درجه قابلیت اجتماعی (مارلو-کروان، ۱۹۶۴)، مقیاس بیگانگی از خود (بارون، ۱۹۵۳) و مقیاس شایستگی بین فردی (روزنبرگ، ۱۹۶۵) می باشند. بر اساس بررسی های انجام شده همبستگی مثبت متوسطی بین مقیاس درجه قابلیت اجتماعی کارون-مارلو و مقیاس خودکارآمدی بدست آمد. همچنین نمرات مقیاس بیگانگی از خود و مقیاس شایستگی بین فردی با امتیازات خودکارآمدی دارای همبستگی مثبت متوسطی بود. همبستگی های پیش بینی شده بین مقیاس خودکارآمدی عمومی و اندازه های خصوصیات شخصیتی متوسط و در جهت تایید اعتبار سازه آزمون تهیه شده می باشند.

روش اجرا. کلاین (۲۰۰۵) برای مطالعاتی که از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده می کنند، راه حل ویژه ای را جهت تعیین حجم نمونه پیشنهاد کرده است. به عقیده او حداقل نسبت حجم نمونه برای هر پارامتر برآورد شده، ۵ نفر می باشد؛ نسبت ۱۰ به ۱ مناسب تر و ۲۰ به ۱ مطلوب قلمداد می شود. در مدل مفروض پژوهش حاضر، طبق دیدگاه کلاین ۱۸ پارامتر اندازه گیری می شود. بنابراین تجزیه و تحلیل

اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار Spss-V23 و Amos-V7.80 انجام شد؛ همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان در پژوهش برابر با ۲۴/۷۸ (۳/۵۶) سال بود؛ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
خردمندی شناختی	۴۳.۴۹	۷.۵۴	۰.۶۲	-۰.۲۷
خردمندی انعکاسی	۳۸.۴۳	۱۱.۱۰	۰.۰۸	-۰.۹۱
خردمندی عاطفی	۳۴.۴۳	۵.۰۲	۰.۱۸	-۰.۶۳
هوش تحلیلی	۳۵.۶۶	۵.۸۰	۰.۳۷	-۱.۲۰
هوش خلاق	۳۱.۵۷	۶.۱۲	۰.۴۵	-۱.۲۱
هوش عملی	۳۳.۲۴	۶.۴۰	۰.۲۸	-۱.۴۰
استقلال	۹.۰۶	۳.۲۲	۰.۶۰	-۰.۱۲
تسلط بر محیط	۹.۹۴	۲.۲۶	-۰.۴۷	-۰.۶۳
رشد شخصی	۹.۶۴	۲.۲۵	-۰.۲۱	-۰.۴۱
ارتباط مثبت با دیگران	۱۰.۰۲	۳.۲۲	۰.۱۹	-۰.۸۱
هدفمندی در زندگی	۹.۱۵	۲.۰۶	۰.۲۵	۰.۲۵
پذیرش	۹.۷۵	۱.۸۷	۰.۵۳	-۰.۵۷
خودکارآمدی	۵۱.۵۰	۱۳.۱۶	-۰.۴۳	۰.۳۷

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد از بین ابعاد بهزیستی روانشناختی بیشترین میانگین مربوط به ارتباط مثبت با دیگران است. نتایج مربوط به اجرای مدل اولیه در حالت استاندارد به همراه برخی از مهمترین شاخص‌های برازش مدل اولیه در شکل و جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب و معناداری بارهای عاملی مدل‌های اندازه‌گیری

متغیر	مؤلفه	وزن استاندارد شده	t آماره ی	sig
خردمندی	خردمندی شناختی	۰.۶۹		۰.۰۰۱
	خردمندی انعکاسی	۰.۶۳	۵.۸۸	۰.۰۰۱
	خردمندی عاطفی	۰.۵۹	۵.۳۷	۰.۰۰۱
هوش موفق	هوش تحلیلی	۰.۲۷		۰.۰۰۱
	هوش خلاق	۰.۳۹	۳.۲۰	۰.۰۰۱
	هوش عملی	۰.۸۱	۶.۶۵	۰.۰۰۱

۵۷۳ مدل ساختاری پیش بینی خردمندی بر اساس هوش موفق و ... | درخشان و همکاران | خانواده درمانی کاربردی

۰.۰۰۹		۰.۲۶	استقلال	
۰.۰۰۱	۴.۳۹	۰.۵۰	تسلط بر محیط	
۰.۰۰۱	۲.۹۰	۰.۳۷	رشد شخصی	بهزیستی روانشناختی
۰.۰۰۱	۳.۱۸	۰.۳۹	ارتباط مثبت با دیگران	
۰.۰۰۱	۴.۵۴	۰.۴۸	هدفمندی در زندگی	
۰.۰۰۶	۲.۴۳	۰.۲۸	پذیرش	

آنچه از نتایج جدول فوق برمی آید این است که عوامل هر سه مقیاس بار عاملی معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند. با توجه به اینکه در مدل های آزمون شده بالا، مسیرهای بین متغیرها همان فرضیه های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم به آزمون سایر فرضیه های پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثر مستقیم هوش موفق و بهزیستی روانشناختی بر خردمندی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	استاندارد شده β	آماره معناداری	sig
خردمندی	هوش موفق	مستقیم	۰.۲۵	۲.۰۸	۰.۰۳۸
خردمندی	بهزیستی	مستقیم	۰.۶۸	۴.۹۱	۰.۰۰۱

روانشناختی

آنچه از نتایج جدول ۳ برمی آید این است که هوش موفق اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، رابطه هوش موفق با خردمندی به صورت مستقیم برابر ($t = ۲/۰۸$ و $\beta = ۰/۲۵$) است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم هوش موفق بر خردمندی دانشجویان با ۹۵ درصد اطمینان تایید می شود. برای آزمون این فرضیه اثر غیر مستقیم با آزمون سوبل مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین آنچه از نتایج جدول ۴ برمی آید این است که بهزیستی روانشناختی اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، رابطه بهزیستی روانشناختی با خردمندی به صورت مستقیم برابر ($t = ۴/۹۱$ و $\beta = ۰/۶۸$) است. بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم بهزیستی روانشناختی بر خردمندی دانشجویان با ۹۵ درصد اطمینان مورد تایید بوده است. برای آزمون این فرضیه اثر غیر مستقیم با آزمون سوبل مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل اولیه

نام شاخص	شاخص های برازش
	مقدار
	حد مجاز
χ^2/df	۲.۴۴
	کمتر از ۳
RMSEA ^۱ (ریشه میانگین خطای برآورد)	۰.۰۵
	کمتر از ۰/۱
CFI ^۲ (برازندگی تعدیل یافته)	۰.۹۵
	بالاتر از ۰/۹

1 Root Mean Square Error Approximation

2 Comparative Fit Index

۰/۹ بالاتر از	۰/۹۴	NFI (برازندگی نرم شده)
۰/۹ بالاتر از	۰/۹۵	GFI ^۲ (نیکویی برازش)
۰/۹ بالاتر از	۰/۹۳	AGFI ^۳ (نیکویی برازش)

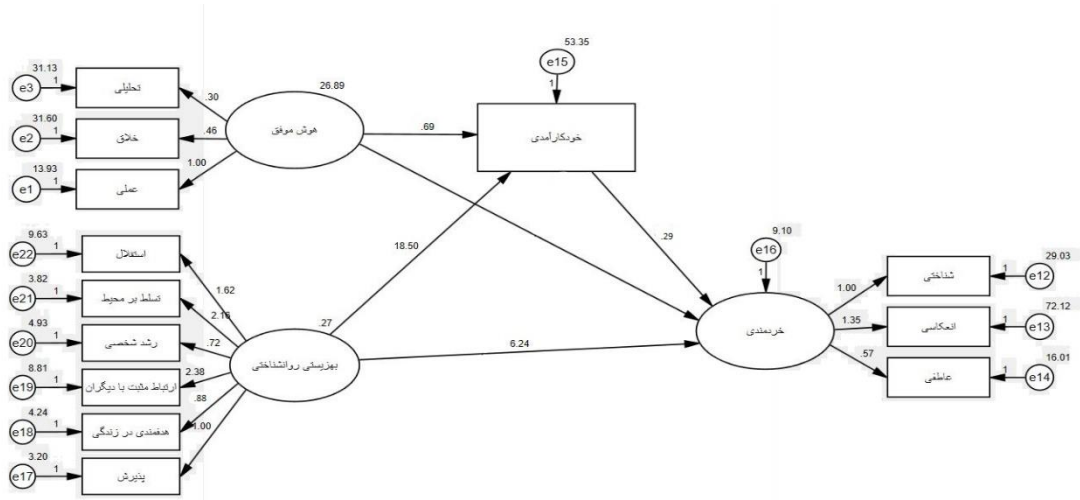
به طور کلی در کار با برنامه اموس هر یک از شاخص های بدست آمده به تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقدارهای بدست آمده برای این شاخص ها نشان می دهد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است. در ادامه شاخص های مدل اندازه گیری ابتدا گزارش می شود.

جدول ۵. ضرایب و معناداری اثر غیر مستقیم هوش موفق و بهزیستی روانشناختی بر خردمندی

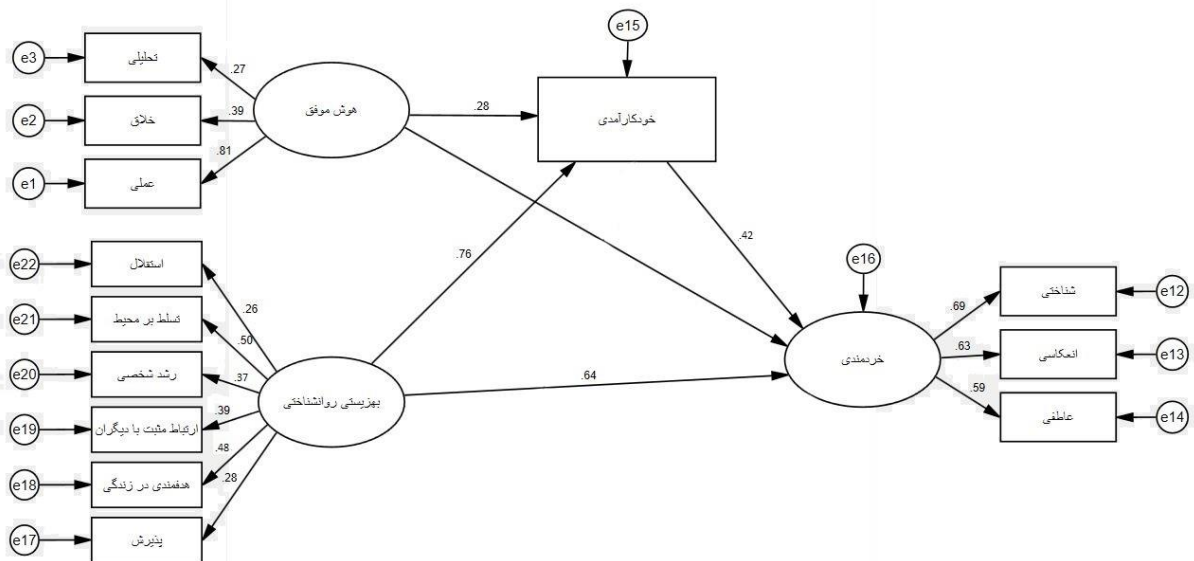
متغیر ملاک	متغیر پیش بین	نوع اثر	β استاندارد شده	آماره معناداری سوبل	سطح معناداری
خردمندی	هوش موفق	به واسطه خودکارآمدی	۰/۱۲	۱/۷۶	۰/۱۶
خردمندی	بهزیستی روانشناختی	به واسطه خودکارآمدی	۰/۳۲	۳/۱۶	۰/۰۰۱

جهت بررسی اثر متغیر میانجی خودکارآمدی در رابطه بین هوش موفق با خردمندی، از آزمون سوبل استفاده گردید. یک روش مورد استفاده برای سنجش معنی داری اثر متغیر واسطه آزمون سوبل (۱۹۸۲) است که مستقیماً معنی داری ab را نسبت به توزیع بهنجار Z با استفاده از خطای استاندارد متغیر میانجی می سنجد. بدین ترتیب که پس از تقسیم حاصل ضرب دو ضریب غیر استاندارد که مسیرهای متغیر واسطه را تشکیل می دهند بر خطای استاندارد این حاصلضرب، نسبت بدست آمده با جدول توزیع بهنجار مقایسه می شود؛ اگر نسبت بدست آمده بزرگ تر از $1/96$ باشد نتیجه گرفته می شود که اثر متغیر میانجی معنی دار است. آنچه از نتایج جدول ۵ برمی آید این است که فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم هوش موفق بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با 95 درصد اطمینان رد می شود ($p < 0/05$). همچنین آنچه از نتایج جدول فوق برمی آید این است که فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم بهزیستی روانشناختی بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با 95 درصد اطمینان تایید می شود ($p > 0/05$).

1. Normed Fit Index
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index



شکل ۲. مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده



شکل ۳. مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل ساختاری پیش بینی خردمندی بر اساس هوش موفق و بهبود رانشناختی با نقش میانجی خودکارآمدی دانشجویان انجام شد. نتایج نشان داد هوش موفق اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم هوش موفق بر خردمندی دانشجویان

با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. این یافته با تحقیقات پیشین (قربانی و خرمايي، ۱۴۰۰؛ ملکی، ۱۴۰۰؛ گودرزی، ۱۳۹۹؛ رحیمی، ۱۳۹۸؛ ملک محمدی، ۱۳۹۳؛ بهری و همکاران، ۲۰۲۱) همسو و بر اساس مدل برلین قابل تبیین است. در این مدل بیشترین تاکید بر عناصر شناختی در خردمندی است و خردمندی شکل پیشرفته هوش و دیگر مهارت‌های تفکر قلمداد می‌شود. خردمندی مجموعه‌ای تحول یافته از دانش و قضاوت واقعی و اجرایی در نظر گرفته می‌شود که با ملاحظات عملی و اساسی و مسائل مبهم و غیرقطعی زندگی سروکار دارد. بالتس و همکاران (۱۹۹۵) چنین نظر داده‌اند که این سطح از کنترل و تسلط بر ملاحظات عملی بیشتر به هوش عملی وابسته است تا هوش ژنتیکی. بنابراین هوش موفق با سه عنصر عملی، خلاق و تحلیلی که استرنبرگ آن را بیشتر محیطی می‌داند و شامل فنون مورد نیاز برای کسب موفقیت در بافت و موقعیت است خردمندی را به صورت مثبت پیش بینی می‌کند. از طرف دیگر استرنبرگ (۲۰۰۱) عقیده دارد که افراد دارای هوش موفق قادر به کسب موفقیت در بافت فرهنگی اجتماعی هستند و با توجه به موقعیت و شرایط پیش رو از توانایی‌های تحلیلی، عملی و خلاق برای رسیدن به موفقیت استفاده می‌کنند؛ بنابراین در فرد دارای هوش موفق، که به صورت مکرر در زندگی احساس موفقیت می‌کند، باور به خردمندی تقویت می‌شود. هوش موفق، نقش مهمی در استفاده از فرصت‌ها برای فرد فراهم می‌سازد. این افراد با داشتن خصوصياتی مثل تفکر سریع، کنجکاوی، درک و فهم روابط پیچیده (استرنبرگ، ۲۰۰۳)، ابتدا به صورت منطقی به دور از احساسات، و موقعیت و مسائل مربوط به آن را تحلیل و بررسی می‌کنند و در راه رسیدن به هدف خود، همراه با داشتن استعدادهای چندگانه و چندبعدی برای حل مسائل، استقامت و شکیبایی نیز نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، افراد با هوش موفق، به دلیل تجربه موفقیت به صورت مکرر، عدم موفقیت‌های خود را سطحی و گذرا می‌پندارند و آن را به عوامل مختلفی غیر از توانایی خود نسبت می‌دهند. این طرز فکر موجب استقامت و شکیبایی بیشتر در برابر ناملایمات و شکست‌ها می‌گردد. به عبارت دیگر این افراد با صبوری و متانت خویش، به دنبال راه حل خلاقانه برای موفقیت هستند. بر این اساس، ارتباط بین هوش موفق و خردمندی، قابل تبیین به نظر می‌رسد.

نتایج نشان داد در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم هوش موفق بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. یافته‌های مرتبط با اثر واسطه‌ای نیز نشان داد که خودکارآمدی نقش واسطه بین هوش موفق و خردمندی ندارد. این یافته همسو با مدل برلین نیست. در تبیین ناهمسوئی این یافته بر اساس این مدل می‌توان گفت هر چند مدل‌های پیشنهاد شده عوامل گوناگون را در رشد خردمندی موثر دانسته‌اند، یکی از مهمترین این عوامل فرایندهای نظام خود است. به این معنی که اگر عوامل گوناگون بر رشد خردمندی فراهم باشد، اما فرد به صورت منفعل برخورد کند، خردمندی افزایش نمی‌یابد و برای رشد خردمندی نیاز به فردی فعال برای سازماندهی و یکپارچه کردن عوامل گوناگون احساس می‌شود. بنابراین خودکارآمدی به عنوان یکی از متغیرهای نظام خود در این پژوهش نتوانسته است نقش واسطه بین هوش موفق و خردمندی ایفا نماید و فرضیه رد شده است. همچنین نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش حاضر با یافته‌های (قربانی و خرمايي، ۱۳۹۵؛ قربانی و خرمايي، ۱۳۹۷؛ کاظمی، ۱۳۹۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۲۰) که در پژوهش‌های جداگانه‌ای نشان دادند که بین هوش موفق و خودکارآمدی با خردمندی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، همخوان نیست. در تبیین این نتیجه شاید بتوان نظریه

معلول بودن هوش موفق و خودکارآمدی که توسط استرنبرگ (۲۰۰۳) و بندورا (۱۹۹۷) را مطرح کرد. طبق این نظریه خودکارآمدی و هوش موفق نمی تواند میانجی یا علت باشد، بلکه به نوعی معلول است- انعکاسی از اینکه چگونه زندگی ما پیش می رود-معلول بودن خودکارآمدی و هوش موفق بر طبق این مدل بدین معنی است که وقتی زندگی خوب پیش می رود، خودکارآمدی و هوش موفق افزایش می یابد و وقتی بد پیش می رود خودکارآمدی و هوش موفق افت پیدا می نماید. خودکارآمدی و هوش موفق تحت تأثیر موفقیت ها و شکست ها است و آنچه که باید بهبود یابد، خردمندی نیست، بلکه بهتر کردن مهارت های ما برای رسیدگی به دنیاست. به عبارت دیگر در رابطه بین عملکرد خوب خودکارآمدی و هوش موفق، عملکرد خوب علت است، در حالی که خودکارآمدی و هوش موفق فقط معلول است. خودکارآمدی و هوش موفق اصولاً کارت امتیاز یا تابلوی امتیازی برای گزارش دادن این است که چگونه اوضاع خوب یا بد پیش می رود (هلمک، و آکن، به نقل از ریو، ۱۳۹۷). بنابر این می توان گفت که خودکارآمدی و هوش موفق را بر طبق مدل مذکور بتوان یک معلول تلقی کرد تا علت، لذا نتیجه حاصله از این رو می تواند قابل تبیین باشد.

نتایج نشان داد بهزیستی روانشناختی اثر مستقیم بر خردمندی داشته است، بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر مستقیم بهزیستی روانشناختی بر خردمندی دانشجویان با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است. یافته این مطالعه با یافته مطالعات انجام شده توسط (نجاتی فر و همکاران، ۱۴۰۰؛ برزگر بفروبی، ۱۴۰۰؛ عقیلی، ۱۳۹۹؛ اسرافیلی تازه کند محمدیه، ۱۳۹۸؛ حسنی، ۱۳۹۷) همسو است. مطالعه بایلی (۲۰۰۹) نشان داد که خرد، تأثیر مثبتی بر بهزیستی روانی و کیفیت روابط خانوادگی دارد. همچنین آردلت (۲۰۰۰) دریافت که بر خلاف نظریه موقعیتی متغیر نهفته خرد در مقایسه با سایر شاخص های بهزیستی روانی (برای مثلاً سلامت جسمانی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، امکانات مالی، محیط فیزیکی و دل مشغولی های اجتماعی) اثر نیرومندتری بر سلامت و رضایت از زندگی افراد دارد. نیکوگفتار و سعیدی (۱۳۹۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هر سه مولفه خردمندی شامل ژرف نگری، شناختی و عاطفی رابطه معنادار با زیرمقیاس های بهزیستی روانی و نمره کل آن داشتند. خرد به عنوان یک مزیت در ارتباط با ابعاد مثبت است و احساساتی خوشایند را ایجاد و کسب می کند و احساسات منفی را می کاهش دهد. توانایی خردمندی قابلیت ارزیابی زندگی را بر اساس مفاهیم عمیق است و به شیوه ای انجام می پذیرد که برای خود فرد و دیگران معنادار به نظر برسد. خردمندی محصول دانش و تجربه، اما چیزی فراتر از انباشت اطلاعات است. خردمندی، هماهنگ سازی این اطلاعات و استفاده سنجیده از آن برای افزایش بهزیستی روانی است. در بافت اجتماعی، خردمندی این اجازه را به افراد می دهد که به دیگران گوش کنند، آنچه آنها می گویند را ارزیابی کنند و سپس توصیه علاقلانه ای ارائه کنند. آردلت (۲۰۰۰) و کرامر (۲۰۰۰) دریافتند که افراد خردمند بهزیستی و رضایتمندی بالایی دارند زیرا توانایی پذیرش فراز و نشیب ها و کسب معنای زندگی و نبرد برای غلبه با آنها را دارند و همین ویژگی ها سبب افزایش بهزیستی آنها می شود. بهزیستی روانشناختی نقاط قوت روان شناختی را فراهم می کند که به این افراد توانایی تجربه چالش های زندگی را به روشنی موثرتر فراهم می کند، این افراد بر روی شرایط زندگی ایده آل تمرکز نمی کنند. افراد خردمند، تبادلات اجتماعی مثبتی را که برای خودشان و دیگران مطلوب و سودمند هستند، ترویج می کنند، پرورش می دهند و به عمل در می آورند.

نتایج نشان داد فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود اثر غیرمستقیم بهزیستی روانشناختی بر خردمندی دانشجویان به واسطه خودکارآمدی با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. این یافته با نتایج حسنی (۱۳۹۷)؛ ذبیحی حصارى و همکاران (۱۳۹۶)؛ آردلت و فراری (۲۰۱۹) همسو است. همچنین این یافته، همسو با نظریه تعادلی استرنبرگ (۲۰۰۵) در باب خردمندی است. در این نظریه، به نقش واسطه‌گری خودکارآمدی بین بهزیستی روانشناختی و خردمندی اشاره شده است. فرد خردمند، فردی است که با داشتن توانایی‌های شناختی خاص، همچون بهزیستی روانشناختی می‌تواند بر اساس شرایط و موقعیت و نگاه کردن به ارزش‌ها و اصول اخلاقی، تصمیماتی را اتخاذ کند که به نفع همگان باشد. بر این اساس، بهزیستی روانشناختی می‌تواند بر میزان خودکارآمدی افراد اثرگذار باشد، به گونه‌ای که بر روی شکیبایی افراد در زمان بروز مشکلات احتمالی و همچنین، ایجاد مقاومت و استقامت در برابر ضربه‌های دیگران بیفزاید تا آنها بتوانند با انتخاب فعالیت‌های چالش‌برانگیز، ظرفیت پرورش خردمندی بیشتر را در خود ایجاد کنند. به طور کلی، خودکارآمدی، از متغیرهای تاثیرگذار در بین بهزیستی روانشناختی و خردمندی است، زیرا هم از بهزیستی روانشناختی اثرپذیر و هم بر روی خردمندی اثرگذار است. به عبارت دیگر، خودکارآمدی هم اثرگیرنده و هم اثر دهنده دارد. بر این اساس، وجود نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در بین بهزیستی روانشناختی و خردمندی قابل تبیین به نظر می‌رسد. نتایج این پژوهش، از لحاظ نظری عملی دارای اهمیت است. بررسی روابط این متغیرها در قالب یک مدل به غنای دانش در این زمینه افزوده است. همچنین، با توجه به پرداختن تعلیم و تربیت دنیا به رشد خردمندی و پرورش افراد خردمند، شناسایی متغیرها و عوامل تاثیرگذار بر رشد خردمندی ضروری هستند، از آنجا که خردمندی به کارگیری فرایندهای تفکر، به همراه فضیلت اخلاقی برای رسیدن به مصلحت همگانی است، پیدا کردن راه‌هایی برای تقویت خردمندی، می‌تواند وسیله قدرتمندی برای کمک به رفاه انسان باشد. بنابراین، گام بعدی این است که متخصصان با فراهم آوردن محیط و طراحی بسته‌های آموزشی مناسب، شرایط لازم را برای رشد بهزیستی روانی، خودکارآمدی و در نهایت، خردمندی فراهم سازند. با توجه به نقش مهم بومی بودن در موفقیت دانشجویان، پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران گزینش دانشجو به این عامل توجه نمایند و با اصلاح سیستم پذیرش دانشگاه‌ها به گونه‌ای عمل کنند که با پذیرش دانشجویان بومی و کاهش مشکلات فرهنگی و اقامتی دانشجویان، به بهبود انگیزه‌های درونی و بیرونی و کاهش اضطراب آنها، زمینه بهتری برای موفقیت تحصیلی آنها فراهم کنند. پیشنهاد می‌شود دوره‌هایی مانند آموزش خرد در محیط‌های آموزشی و کاری برگزار شود تا به این وسیله بتوان از طریق ارتقای خردمندی میزان هوش موفق، بهزیستی روانی، انعطاف‌پذیری و خودکارآمدی دانشجویان را افزایش داد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسش‌نامه‌ها، ضمن تأکید بر تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

سپاسگزاری

از تمامی افرادی شرکت کننده در پژوهش که با دلسوزی و کمال صبر و حوصله، باعث به نتیجه رسیدن این کار پژوهشی شدند، کمال تشکر و قدردانی رادارم.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- اسرافیلی تازه کند محمدیه، هاجر. (۱۳۹۸). *طراحی و آزمون الگوی علی رابطه سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر با نقش واسطه ای بهزیستی روانشناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- اندیشمند، امین. (۱۳۹۷). *بررسی رابطه بین احساس پیوستگی و نارسایی هیجانی با خودکارآمدی دانش آموزان مقطع متوسطه*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- ایرانیان پهرآباد، سمانه، مشهدی، علی، طبیبی، زهرا، و مدرس غروی، مرتضی. (۱۳۹۴). *اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر سبک دلبستگی بر بهزیستی روان‌شناختی نمونه‌ی غیر بالینی دانشجویان دارای سبک دلبستگی نایمن دل‌مشغول*. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۸ (۲): ۱۱۵-۱۰۹.
- برزگر بفرویی، مهدی. (۱۴۰۰). *تدوین مدل خردمندی معلمان و تاثیر آموزش مبتنی بر این مدل بر تحلیل رفتگی شغلی، تعهد، رضایت شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.
- حسینی، فاطمه. (۱۳۹۷). *ارتباط بین هویت من، خردمندی و کنترل تفکر با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- رحیمی، زینب. (۱۳۹۸). *بررسی رابطه رشد اخلاقی با خردمندی با میانجیگری هوش اخلاقی و هوش هیجانی در دانشجویان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: انتشارات رشد.
- عقیلی، سیدفرزاد. (۱۳۹۹). *الگوی پیشنهادی بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس خردمندی: مدلی با واسطه‌گری تاب‌آوری*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سلمان فارسی کارزون.
- قربانی، رقیه، و خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۵). *تبیین خردمندی بر اساس هوش موفق و خودکارآمدی مقابله*. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱ (۵): ۱۶-۳.
- قربانی، رقیه، و خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۷). *بررسی مدل علی خردمندی: تبیین اثر شخصیت و خودکارآمدی مقابله*. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۸ (۳۱): ۵۰-۳۳.
- قربانی، رقیه، و خرمایی، فرهاد. (۱۴۰۰). *نقش صبر در رابطه بین هوش موفق و خردمندی در دانشجویان*. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۵۳ (۱۱): ۶۹-۵۱.
- کاظمی، سیده فاطمه. (۱۳۹۶). *ارائه مدل علی برای خلاقیت دانشجویان بر اساس متغیرهای فردی (خودکارآمدی عمومی، خودکارآمدی خلاق، انگیزش درونی و خردمندی) و اجتماعی (جو دانشگاه) و تبیین آن با توجه به بستر فرهنگی نظام آموزش عالی*. پایان نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه مازندران.

- کچویی، فرزانه، و هوشیاری، جعفر. (۱۳۹۹). نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۳ (۲): ۱۹-۶.
- گودرزی، رقیه. (۱۳۹۹). تبیین خردمندی بر اساس هوش موفق و هوش اخلاقی در بین دانشجویان دانشگاه سمنان: الگوی معادلات ساختاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
- ملک محمدی، حسین. (۱۳۹۳). پیش‌بینی خرد بر اساس عوامل هوشی، شناختی، تاملی، هیجانی، شخصیتی و خلاقیت. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ملکی، اکرم. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر خردمندی خودگزارشی بر شادی با نقش میانجی هوش هیجانی در کارکنان اداره آموزش و پرورش شهرستان ملایر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان.
- نجاتی فر، سارا، رحیمی پردنجانی، سعید، و آقازارتی، علی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ابعاد خردمندی با سرزندگی تحصیلی و بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان دختر تیزهوش. *نشریه سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی*، ۳ (۲): ۵۰-۵۰.
- نژاد حاجی، فاطمه، و نوروزی، محمد. (۱۳۹۲). مطالعه ای در مورد روابط بین فرهنگی خرد و خودکارآمدی عمومی کارکنان در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی. *مجله تجارت و مدیریت*، ۱ (۲): ۱۵-۲.
- نگهبان سلامی، محمود، فرزاد، ولی‌الله، و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه هوش موفق. *مجله اندازه‌گیری تربیتی*، ۵ (۱۵): ۱۴-۲.
- نیکوگفتار، منصوره، و سعیدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). نقش پیش‌بین خردمندی در سلامت عمومی سالمندان. *مجله روان‌شناسی سلامت*، ۳ (۲): ۲۸-۱۱.

References

- Amstadter, A. B., Moscati, A., Maes, H. H., Myers, J. M., & Kendler, K. S. (2016). Personality, cognitive/psychological traits and psychiatric resilience: A multivariate twin study. *Personality and Individual Differences*, 91, 74-79.
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2005). How wise people cope with crises and obstacles in life. *Revision: Consciousness and Transformation*, 28(1), 7-19.
- Ardelt, M., & Ferrari, M. (2019). Effects of wisdom and religiosity on subjective well-being in old age and young adulthood: Exploring the pathways through mastery and purpose in life. *International Psychogeriatrics*, 31(4), 477-489.
- Arslan, G. (2021). Mediating effect of fear and externality of happiness in the association between psychological maltreatment and psychological well-being. *Psychology, Health & Medicine*, 1-12.
- Bahri, S., Ramly, M., & Gani, A. (2021). Organizational Commitment and Civil Servants Performance: The Contribution of Intelligence, Local Wisdom and Organizational Culture. *European Journal of Business and Management Research*, 6(1), 128-134.
- Bernstein, B. O., Lubinski, D., & Benbow, C. P. (2021). Academic acceleration in gifted youth and fruitless concerns regarding psychological well-being: A 35-year longitudinal study. *Journal of Educational Psychology*, 113(4), 830.
- Diseth, Å., Meland, E., & Breidablik, H. J. (2014). Self-beliefs among students: Grade level and gender differences in self-esteem, self-efficacy and implicit theories of intelligence. *Learning and Individual Differences*, 35, 1-8.
- Gilmore, A. L. (2014). A Cultural Examination of Hardiness: Associations with Self-Esteem, Wisdom, Hope, and Coping-Efficacy.

- Grass, T. (2017). Waiting in Mindful Hope: Wisdom for Times of Transition. *The Catholic Library World*, 88(1), 54-54.
- Gromisch, E. S., Fiszdon, J. M., & Kurtz, M. M. (2020). The effects of cognitive-focused interventions on cognition and psychological well-being in persons with multiple sclerosis: a meta-analysis. *Neuropsychological rehabilitation*, 30(4), 767-786.
- Hamilton, K., Cornish, S., Kirkpatrick, A., Kroon, J., & Schwarzer, R. (2018). Parental supervision for their children's toothbrushing: Mediating effects of planning, self-efficacy, and action control. *British journal of health psychology*, 23(2), 387-406.
- Heidrich, S. M., & Ryff, C. D. (2021). The self in later years of life: Changing perspectives on psychological well-being. In *Aging in the twenty-first century* (pp. 73-102). Routledge.
- Kim, H. K., Lee, N., & Park, C. H. (2020). Effects of Self-efficacy and Wisdom on Job Competence of Care Workers in Korea. *Medico Legal Update*, 20(2), 724-728.
- Kristjánsson, K., Fowers, B., Darnell, C., & Pollard, D. (2021). Phronesis (practical wisdom) as a type of contextual integrative thinking. *Review of General Psychology*, 10892680211023063.
- Li, Y. C., Joshi, D., King-Dowling, S., Hay, J., Faught, B. E., & Cairney, J. (2018). The longitudinal relationship between generalized self-efficacy and physical activity in school-aged children. *European journal of sport science*, 18(4), 569-578.
- Linden, K., Berg, M., Adolfsson, A., & Sparud-Lundin, C. (2018). Well-being, diabetes management and breastfeeding in mothers with type 1 diabetes—An explorative analysis. *Sexual & reproductive healthcare*, 15, 77-82.
- Mintoub, M. K., & Ali, F. T. (2018). The Strategy Effect of Successful Intelligence in the Student's Achievement of the Third Grade of the College of Education Curriculum and Teaching Methods. *Indian Journal of Public Health Research & Development*, 9(10).
- Mitana, J. M. V., Muwagga, A. M., & Ssempala, C. (2018). Assessment for successful intelligence: A paradigm shift in classroom practice. *International Journal of Educational Research Review*, 4(1), 106-115.
- Northrup, C. (2021). *The wisdom of menopause: Creating physical and emotional health during the change*. Hay House, Inc.
- Schunk, D. H., & DiBenedetto, M. K. (2016). Self-efficacy theory in education. *Handbook of motivation at school*, 2, 34-54.
- Sha, L., Schunn, C., Bathgate, M., & Ben-Eliyahu, A. (2016). Families support their children's success in science learning by influencing interest and self-efficacy. *Journal of Research in Science Teaching*, 53(3), 450-472.
- Staudinger, U. M., & Pasupathi, M. (2003). Correlates of wisdom-related performance in adolescence and adulthood: Age-graded differences in "paths" toward desirable development. *Journal of Research on Adolescence*, 13(3), 239-268.
- Sternberg, R. (2018). Speculations on the role of successful intelligence in solving contemporary world problems. *Journal of Intelligence*, 6(1), 4.
- Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2019). *Successful Intelligence in the Classroom* (Retraction of Vol 43, Pg 274, 2010).
- Utami, S. D., Dewi, I. N., Effendi, I., Ramdani, A., & Rohyani, I. S. (2020). The effectiveness of Biology Integrated Learning (BIL) program with local wisdom in area of TNGR Lombok to improve students' self-efficacy. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1440, No. 1, p. 012078). IOP Publishing.
- Walsh, R., & Reams, J. (2015). *Studies of Wisdom: A special issue of integral review*. *Integral Review*, 11(2), 1-6.
- Webster, J. D. (2003). An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Adult Development*, 10 (1), 13-22.

- Weststrate, N. M., & Glück, J. (2017). Hard-earned wisdom: Exploratory processing of difficult life experience is positively associated with wisdom. *Developmental psychology*, 53(4), 800.
- Yang, S. Y. (2014). Wisdom and learning from important and meaningful life experiences. *Journal of Adult Development*, 21(3), 129-146.

پرسشنامه خرد

ابعاد	گویه‌ها	پرسشنامه خرد
شناختی	چقدر با جملات زیر موافق یا مخالفید نادانی برکت است. بهتر است چیز زیادی درباره آنچه نمی‌توان تغییرش داد ندانست. در این دنیای پیچیده، تنها راه دانستن آنچه در اطرافمان می‌گذرد اتکا به رهبران و کارشناسانی است که می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد. تنها یک راه درست برای انجام کارها وجود دارد. فرد یا جواب سؤالی را می‌داند یا نمی‌داند. می‌توان تمام افراد را صادق یا ریاکار دانست. مردم یا خوباند یا بد زندگی اساساً اکثر اوقات یکنواخت است. چقدر این جملات برای شما صحت دارد.	(۱: خیلی موافق تا ۵: کاملاً مخالف)
تعمقی	چقدر با جملات زیر موافق یا مخالفید اگر فکر کنم مشکلی راه‌حلی ندارد کمتر جذب آن می‌شوم. سعی می‌کنم موقعیت‌هایی را که در آن‌ها احتمال دارد عمیقاً به چیزی فکر کنم پیش‌بینی کنم و از آن‌ها اجتناب کنم. ترجیح می‌دهم اتفاقات رخ دهند و دلیلشان را بدانم. ترجیح می‌دهم فقط جواب را بدانم تا اینکه دلایل راه‌حل مشکلی را بفهمم. پس از تفکر درباره تصمیمات مهم در گرفتن تصمیم دودلم. اغلب رفتار مردم را درک نمی‌کنم. اوضاع غالباً بدون اینکه تقصیر من باشد بد پیش می‌رود. اگر شرایط فعلی تغییر کند احساس بهتری خواهم داشت. چقدر این جملات برای شما صحت دارد	(۱: کاملاً صحت دارد تا ۵: برای من صحت ندارد)
	سعی می‌کنم قبل از تصمیم‌گیری دلیل مخالفت دیگران را بدانم. وقتی از کسی ناراحتم سعی می‌کنم لحظه‌ای خودم را جای او بگذارم. همیشه تمام ابعاد مشکل را در نظر می‌گیرم. قبل از انتقاد از کسی سعی می‌کنم خودم را جای او بگذارم. گاهی اوقات نگرستن از دید دیگران برایم دشوار است. وقتی مشکلی گیج‌م می‌کند اولین کاری که می‌کنم بررسی موقعیت و توجه به تمام اطلاعات مرتبط است. گاهی این‌قدر از نظر هیجانی درگیر می‌شوم که نمی‌توانم به سایر روش‌های مواجهه با مشکلاتم فکر کنم. وقتی به آنچه برایم در گذشته اتفاق افتاده نگاه می‌کنم می‌رنجم. زمانی که به آنچه برایم اتفاق افتاده فکر می‌کنم احساس ناراحتی	(۱: کاملاً صحت دارد تا ۵: برای من صحت ندارد)

<p>می‌کنم. اگر اوضاع بد پیش برود خیلی عصبانی و افسرده می‌شوم.</p> <p>عاطفی</p> <p>چقدر یا جملات زیر موافق یا مخالفید</p> <p>افراد ناراحتی که فقط برای خودشان احساس تأسف دارند ناراحت می‌کنند. مردم احساسات و حساسیت زیادی به حیوانات دارند. افرادی هستند که می‌شناسمشان اما هرگز دوستشان نداشته‌ام. می‌توانم با همه راحت باشم. اگر دیگران گرفتار باشند و به کمک نیاز داشته باشند مشکل من نیست و به من مربوط نیست.</p> <p>۱: کاملاً صحت دارد تا ۵: برای من صحت ندارد</p>	<p>وقتی مردم مشکل دارند برایشان احساس تأسف ندارم. گاهی واقعاً دلم برای همه می‌سوزد. وقتی کسی نیازی دارد، راحت نیستم. دوست ندارم به مشکلات دیگران گوش بدهم. افراد خاصی هستند که واقعاً از آن‌ها متنفرم و وقتی گرفتار یا بابت کارهایشان تنبیه می‌شوند، خوشحال می‌شوم. گاهی وقتی مردم با من حرف می‌زنند، دوست دارم تنهایم بگذارند و بروند. افرادی که با من جروبحث می‌کنند واقعاً عصبانیم می‌کنند. وقتی می‌بینم کسی نیازی دارد سعی می‌کنم هر طور شده به او کمک کنم.</p>
--	---

پرسشنامه بهزیستی روانی

سوالات	کاملاً مخالفم	تا حدی مخالفم	مخالفم	موافقم	تا حدی موافقم	کاملاً موافقم
۱ به طور کلی احساس می‌کنم من مسئول وضع زندگی کنونی ام هستم						
۲ هنگامی که جریان زندگی خود را مرور می‌کنم، از آنچه روی داده خشنود می‌شوم						
۳ حفظ روابط صمیمی برای من مشکل است و احساس ناکامی می‌کنم						
۴ نیازهای زندگی روزمره، اغلب مرا از پای در می‌آورد						
۵ من برای حال زندگی می‌کنم و واقعا به آینده فکر نمی‌کنم						
۶ من بسیاری از مسئولیت های زندگی روزانه ام را به خوبی مدیریت می‌کنم						
۷ فکر می‌کنم داشتن تجارب جدیدی که تفکر فرد را درباره خود و جهان به چالش می‌کشد مهم است						
۸ بیش تر جنبه های شخصیت خود را دوست دارم						
۹ افراد مصمم بر من تاثیر می‌گذارند						
۱۰ در بسیاری جهان از موفقیت هایم در زندگی احساس ناامیدی می‌کنم						
۱۱ افراد مرا به عنوان فردی بخشنده و علاقمند به صرف وقت با دیگران، توصیف می‌کنند						

۱۲	به نظرات خود اطمینان دارم، اگرچه آنها بر خلاف نظر جمع باشد
۱۳	روابط خیلی گرم و همراه با اعتماد زیادی را با دیگران تجربه نکرده ام
۱۴	بعضی از افراد بی هدف، زندگی خود را سپری می‌کنند؛ اما من از آن دسته از افراد نیستم
۱۵	برای من، زندگی یک فرایند مستمر یادگیری، تغییر و رشد است
۱۶	بعضی اوقات احساس می‌کنم که همه آنچه را باید در زندگی انجام دهم، انجام داده ام
۱۷	مدت هاست از تلاش برای ایجاد بهبودها و تغییرات زیاد در زندگی ام دست کشیده ام
۱۸	خود را آنگونه که فکر می‌کنم مهم است، قضاوت می‌کنم؛ نه بر اساس ارزش‌هایی که برای دیگران مهم است.

پرسشنامه هوش موفق

ردیف	گویه‌ها	عالی	خیلی خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف
۱	زمانی که به یک داستان گوش می‌دهم یا می‌خواهم شخصیت‌های داستان را تحلیل کنم					
۲	نقطه نظرات را مقابله و مقایسه می‌کنم					
۳	از کیفیت کار انتقاد می‌کنم					
۴	به طور آشکار و تحلیلی فکر می‌کنم					
۵	به صورت منطقی درخواست می‌کنم					
۶	نقطه نظرات گوناگون را ارزیابی می‌کنم					
۷	در مورد رفتار افراد قضاوت می‌کنم					
۸	مسائل مشکل را به دیگران توضیح می‌دهم					
۹	مسائل را به صورت منطقی حل می‌کنم					
۱۰	از بحث‌ها استنتاج و نتیجه‌گیری می‌نمایم					
۱۱	اطلاعات را ذخیره و دسته‌بندی می‌کنم					
۱۲	درباره چیزها فکر می‌کنم					
۱۳	چیزهای جدیدی را طراحی می‌کنم					
۱۴	با ایده‌های نو ظاهر می‌شوم					
۱۵	از تخیل استفاده می‌کنم					
۱۶	بازی‌های افسانه‌ای و ساختگی را بازی می‌کنم					
۱۷	درباره راه حل‌های متناوب فکر می‌کنم					
۱۸	به چیزهایی توجه دارم که افراد معمولاً تمایل به چشم‌پوشی از آنها دارند					
۱۹	در تصورات و تخیلات فکر می‌کنم					
۲۰	دستورالعمل‌ها، کلمات و بازی‌های جدیدی اختراع می‌کنم					
۲۱	بر این تصور هستم که چیزها متفاوت‌اند					
۲۲	درباره آنچه اگر... اتفاق خواهد افتاد، فکر می‌کنم					
۲۳	آهنگ‌ها و ملودی‌های جدیدی می‌سازم					
۲۴	از ایفای نقش و نمایش بازی کردن لذت می‌برم					
۲۵	اشیا را به صورت مجزا بر می‌دارم و تعمیر می‌کنم					
۲۶	از طریق فعالیت‌هایی که با دست انجام می‌شوند، یاد می‌گیرم.					

۲۷	رابطه دوستی برقرار نموده و به آنها احترام می گذارم
۲۸	دیگران را درک نموده و به آنها احترام می گذارم
۲۹	چیزهایی را که یاد گرفته ام مورد تمرین قرار می دهم
۳۰	کشمکش ها را برطرف می سازم
۳۱	به دوستان درباره مشکلاتشان آگاهی می دهم
۳۲	برخی افراد را برای انجام چیزی متقاعد می کنم
۳۳	از طریق تعامل با دیگران یاد می گیرم
۳۴	دانش را اجرایی می کنم
۳۵	با دیگران کار و زندگی می کنم
۳۶	با موقعیت های جدید سازگار می شوم

پرسشنامه خودکارآمدی

کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	جملات
					۱ وقتی طرحی می ریزم مطمئن هستم می توانم انجام دهم.
					۲ یکی از مشکلات من این است که نمی توانم تکالیفم را به خوبی انجام دهم.
					۳ اگر نتوانم کاری را بار اول انجام دهم به تلاشم برای انجام آن ادامه می دهم.
					۴ وقتی که اهداف مهم برای خودم تعیین می کنم بندرت به آنها دست می یابم.
					۵ قبل از تمام کردن کارهایم آن را رها می کنم.
					۶ از روپرو شدن با مشکلات اجتناب می کنم.
					۷ در صورتی که کاری خیلی پیچیده به نظر رسد حتی زحمت امتحانش را به خودم نمی دهم.
					۸ نامطلوب بودن تکالیف مرا از پایداری تا انجام کامل آنها باز می دارد.
					۹ وقتی تصمیم به انجام کاری گرفتم به طور جدی و دقیق روی انجام همان کار تمرکز می کنم.
					۱۰ هنگامی که سعی می کنم چیز جدیدی بیاموزم اگر در ابتدا موفق نشوم بزودی آنها را رها می کنم.
					۱۱ وقتی مشکلات غیرمترقبه ای برایم رخ می دهد به خوبی از پس آن بر نمی آیم.
					۱۲ از یادگیری مطالب جدید هنگامی که به نظرم مشکل بیابند اجتناب می کنم.
					۱۳ شکست باعث تلاش بیشتر من می شود.
					۱۴ به توانایی خود در انجام کارها اعتماد ندارم.
					۱۵ به خودم متکی هستم.
					۱۶ به سادگی تسلیم می شوم.
					۱۷ توانایی برخورد با اغلب مشکلات که در زندگی برایم پیش می آید را ندارم.

Structural Model of Prediction Wisdom based on Successful Intelligence and Psychological Well-Being with the Mediating role of Self-Efficacy

Maryam Derakhshan¹, Bita Nasrolahi^{2*}, Fariborz. Bagheri³

Abstract

Aim: This research was conducted with the purpose of presenting a structural model for predicting wisdom based on successful intelligence and psychological well-being with the mediating role of students' self-efficacy. **Methods:** The cross-sectional research method is correlation type. The statistical population of this research was made up of all female and male students of Azad Universities of Tehran province in 2019-2019, from which 400 people were selected by staged cluster sampling method. In this research, the tools of wisdom (Ardelt, 2003), successful intelligence (Sternberg, 2005), psychological well-being (Reif, 1989) and self-efficacy (Sherer et al., 1982) were used, all of which had acceptable validity and reliability. In order to analyze the data, SPSS-V19 and Amos-V8.8 software were used. Also, in order to respond to the research hypotheses, structural equation modeling was used. The findings of the research showed that the model has a good fit. **Results:** The results showed that successful intelligence has a direct effect on wisdom, the relationship between successful intelligence and wisdom is directly equal ($t = 2.08$ and $\beta = 0.25$). In connection with the existence of an indirect effect of successful intelligence on the wisdom of students through self-efficacy, it is rejected with 95% confidence. The results showed that psychological well-being had a direct effect on wisdom, the relationship between psychological well-being and wisdom is directly equal ($t = 4.91$ and $\beta = 0.68$). In connection with the existence of an indirect effect of psychological well-being on the wisdom of students through self-efficacy, it is confirmed with 95% certainty. **Conclusion:** Therefore, paying attention to the mentioned variables helps researchers and therapists in prevention and designing more appropriate treatments.

Keywords: *Wisdom, Successful Intelligence, Psychological well-being, Self-efficacy*

1. PhD student, Department of General Psychology, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. *Corresponding Author: Assistant Professor, Department of General Psychology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: nasrolahi@srbiau.ac.ir

3. Associate Professor, Department of General Psychology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.